

بخش راجع بزنان

بقلم دکتر شمس الملوك مصاحب
(دکتر در ادبیات)

زن نخستین مرتبی بشمار اهدت .

بلی زن نخستین مرتبی و آموزگار بشر است و از همین لحاظ است که عقیده منندیم این مرتبی نخست و آموزگار اولی باید بقدر کفایت تربیت شود و تعلیم یابد تا شاگردان خود یعنی جامعه بشریت را نیز تربیت کند و تعلیم دهد و هدایت نماید و اصلاح سازد

از طرف دیگر نباید تصور کرد که مقصود ما از ذکر این گفتار و عقیده بر اینکه زن نخستین مرتبی و آموزگار بشر است این است که بحکم عصبیت جنسی خواسته باشیم در مقام دفاع از او و کلیه نواقض بر آمده و بگوئیم نکو گفت و نکو کرد و نکو بود خیر، اگر چند کلمه بطور مقدمه در باره اهمیت وجود زن و تأثیر او در عالم اجتماع و جامعه بشریت سخن گفته شد. برای این است که مسئولیت او را آشکارتر ساخته و متذکر گردیم با تأثیری چنین بزرگ و شدید که در زندگی مردان و در جامعه بشریت دارد اگر خود درست تربیت و هدایت نشده باشد مستقیم و غیر مستقیم مرتکب خبط و خطاهای جبران ناپذیر میگردد که ممکن است سبب انحطاط فردی، خانوادگی، جامعه و کشوری یا نژادی گردد.

چنانکه محققین بزرگ تاریخ یکی از علل بزرگ انحطاط دولت عظیم روم قدیم را افراط ملکه های آن در عیش و عشرت و انواع تجمل و خودخواهی میدانند و هم چنانکه باز یکی از علل انقلاب کبیر فرانسه است تفرق ملکه های فرانسه و خانمهای درباری در اقسام عیش و نوش بود که شاهان و رجال درباری را نیز بآن ورطه سهمناک کشاند.

و همچنانکه یکی از علل سرازیر شدن سیل خانمانسوز مغول بایران علاوه بر

اسباب و جهات دیگر غرض رانی و اعمال ناهنجار و نارویه ملکه خوارزمشاهی ترکان خاتون مادر سلطان محمد خوارزمشاه بود .

متأسفانه در جامعه ما وضعیت زنان ، مقام آنان در اجتماع و تعلیم و تربیتشان بدرجه ای از انحطاط رسیده که رقت آور میباشد جامعه عوام یا عوام فریب ما مانند خرچنگ سیر قهقرائی را شروع کرده و زنانرا با طوق اسارت بسوی خانه و خانه نشینی و حبس و قید میکشد .

کمند عمامه و دام تسبیح مجدداً در سر راه آنان گسترده شده و آنانرا بنام دین و مذهب برخاک هولناکی میکشاند که آنطرفش ناپیداست .

فرهنگ ناهنجار ما نمیتواند در محدود کردن تعلیم و تربیت دختران میکوشد و چشم آنانرا بروی حقایق و معارف مینهد بطور خفا و نیمه آشکار دستور چادر و حجاب میدهد برای اینکه اگر تکی چند از زنان تربیت شده و فاضل نیز یافت میشود قادر بهدایت و راهنمایی سایر زنان وهم نوعان خود نباشند .

ما علل این بدبختی ها و مصائب بزرگ زنان کشور خود را مولود دو علت اساسی بزرگ میدانیم :

خرابی وضع فرهنگ غفلت و سهل انگاری زنان .

تأثیر خرابی فرهنگ در انحطاط زنان

خرابی وضعیت فرهنگ ما از دو لحاظ در انحطاط وضعیت اجتماعی زنان و بدبختی آنان مؤثر است اولاً فرهنگ عمومی و ثانیاً فرهنگ خاص دختران فرهنگ عمومی ما بقدری ناقص است که حاصل و نتیجه اش بغیر از آموختن مقداری محفوظات و چیزهای نظری نیست .

دست پرورده های وزارت فرهنگ با تنهای خسته و رنجور ، افکار علیل و ناتوان ، مایوس و بدبین از زندگی عملی یعنی حقیقت زندگی وارد عرصه زندگی میشوند و هیچ کاری از آنها ساخته نیست بآنها درس کار و عمل نداده اند بآنها معنی شخصیت و اهمیت وجود فرد را نفهمانده اند بآنها کار یاد نداده اند خلاصه آنها را دست و پای بسته بر لب پرنگاه مهیب حیات نهاده اند این است که این يك مشت موجود دست و پا

شکسته عاجز و بیچاره علیل و فرسوده که نه هنری میدانند و نه از صنعتی مطلع اند فقط باید نوکری کنند و بدیهی است نوکر آنهم وقتی هیچ نوع شجاعت و شهامت نداشته باشد مطیع صرف ارباب است خلاصه بهر سازی او بزند باید بر قصد و از خود اراده ای ندارد اگر روزی ارباب گفت زنان باید بی حجاب باشند او هم آمنا و صدقاً میگوید در اهمیت مقام زن مقاله مینویسد در وصف بی حجابی او غزل میسازد در موقع راه رفتن پشت سر خانم راه میرود در موقع لباس پوشیدن در مجالس برای تظاهر و خود نمائی پالتو خانم را بدست میگیرد و همه جا او را با لفظ خنک (بانو) خطاب میکند اما در دل پوست خند میزند و از این حرکات کورکورانه و نفهمیده خود عاجز است و نمیداند بچه مناسبت زنی را که در خانه دشنام میدهد و پست میشمارد و احياناً کتک کازی هم با او میکنند در مجالس بجلوی خود میاندازد و در شعر او را تاج سر و گل سرسبد خطاب میکند!؟

اما فرهنگ خاص دختران

در چنین وضع اجتماعی نیره و تاریکی آن قسمت از برنامه و تعلیم و تربیت که مخصوص دختران است بیدبختی و نگونسازی آنها کمک میکند ... همینقدر باید بگوئیم نتیجه فرهنگ عمومی کشور و فرهنگ خاص دختران این شده است که همه را از تحصیل دختران بیزار ساخته است .

دختران فارغ التحصیل نیز چون پسران فارغ التحصیل از مدرسه با دست و پهای شکسته سر پر کبر و غرور خواهش و تمنای فوق العاده بلند پرواز بهای بیجا خارج میشوند .

از زندگی واقع و عادی از بچه داری خانه داری شستشو و نظیف و غیره و غیره بی اطلاعند سرمایه علمی و ادبی هم ندارند مدرسه چیزی جز يك مشت معلومات بی سر و ته که هیچ نوع استفاده ای از آن نمیشود برد بآنها نیاموخته است بلکه در عوض هدایت و اصلاح آنها را گمراه ساخته است .

این دختران وقتی وارد زندگی اجتماعی میشوند اگر برای يك روز بخواهند غذای عادی درست کنند نیاموخته اند اگر بخواهند كودك خود را بشوید و شیر بدهند

اگر بخواهند لباس شوهر خود را اتو بزنند ناشی انداگر بخواهند دو کلمه مجله خارجی بخوانند نمیتوانند بفهمند. اگر کودک آنها بپرسد چرا وقتی کسی از راه دور با تلفن صحبت میکند ما میثنوبم میگوید این فضولها بابچه نیامده و اگر کودک سؤال را تکرار کند تو دهنی هم خواهد خورد!

ولی توقع چه قدر است؟ همه میخوانند نقشه زندگی خود را از روی فیلمهای سینما تهیه کنند.

همه میخوانند اطاق خوابشان مثل اطاق خواب ژانت ما کدونالد و سالونشان مانند سالون دینادوربن و توالشان مانند توالت دورتی لامور و شوهرشان بصورت ظاهر نظیر شارل بویه و از حیث آواز استاد تینورسی باشد.

اینها بدبخت شده بر نامه غلط وزارت فرهنگ و معلمین و اولیاء ناشایسته و ناجور مدارس دخترانه اند که در موقع انتخاب آنها فقط نکات خاص شخصی را در نظر گرفته و ابدأ رعایت مقتضیات و احتیاجات دختران را نمینمایند.

سهل انگاری زنان

این وضع خراب تعلیم و تربیت سهل انگاری و بی قیدی زنان ما نیز کمک میکند تربیت خراب خانوادگی آنها دست بدست تربیت غلط مدرسه نقایص تربیت خانواده را صد چندان میکند.

کسانرا که فقر و عدم وسایل مانع از تحصیل و تربیت کودگانشان میشود که حال معلوم است این اطفال سنین کودکی و ابتدای جوانی را در خانواده بنحو نامطلوبی بسر برده و پس از ازدواج خودتشکیل دهنده خانواده خرابتری میگردند آنانیکه وسایل تحصیل و تربیت دارند در خانه تحت تأثیر تربیت ناشایسته و ناموزون اولیاء خود و مدرسه نیز محکوم بفرار گرفتن تعلیم و تربیت غلط آنجا هستند و خلاصه این هرج و مرج در تعلیم و تربیت را که خود بارش گرفته اند و روز بروز هم بآن میافزاید کامل تر و جامع تر بخانواده جدید خود پس از ازدواج نقل خواهند کرد...

اینست وضع ناهنجار و اسف آور زنان کشور ما که خود از وضع ناهنجار تعلیم و تربیت عمومی سرچشمه گرفته و از طرف دیگر نیز بخرابی این اوضاع کمک میکنند.

فرزندی که تربیت شده دست چنین مادر و خانواده ایست چگونه بار می آید؟ او نیز نمیداند معنی وقت چیست کار و کوشش چه نمر دارد؟ مملکت و وطن یعنی چه؟ علاقه و وابستگی بحیثیت و آزادی و استقلال کشور چه کیفیتی است وجدان و شرافت شهامت و مردانگی در چیست؟

همینکه وارد اجتماع شد عضو فلجی با اجتماع اضافه میکند مربی و معلم نخست او یعنی مادر او را فلج بار آورده و نفهمیده و کور کورانه اینکار را کرده است. او اصولاً تربیت بچه و رسیدگی بکار او و بکار خانه را مخالف شئون بزرگواری و تشخص میداند اگر هم بخواهد رسیدگی کند و کودک خود را خود تربیت کند مطابق کدام اسلوب و روش بکند؟ چه کسی باوراه صحیح تربیت کودک را آموخته است احتیاجات کشور را از کجا درک کرده تا کودک خود را برای برآوردن قسمتی از آن تربیت کند؟ کدام کتاب و مجله تربیتی را خوانده تا از تعلیم و تربیت صحیح آگاهی داشته باشد؟ این آموزگار و مربی نخست یعنی مادر او را بوضع غلطی بسن هفت سالگی رسانده و سپس او را بمر بیان و آموزگاران ثانوی میسپارد تا خطاهای او را کامل کرده و تربیت غلطش را غلط تر سازد!

اگر وزارت فرهنگ ما برآستی بترقی و پیشرفت این آب و خاک و فرزندان آن علاقمنده است باین وضع هرج و مرج خاتمه دهد تعلیم و تربیت دختران را روی پایه و اساس صحیح بنانهند و در اینکار از اهل فن و تجربه و علم استفاده کند.

مقتضیات کشور، احتیاجات و وطن، کیفیات و مقتضیات روحی و جسمی دختران و طرز تعلیم و تربیت زنان در ممالک متمدن و مترقی همه را در نظر داشته باشد و شورائی از اشخاصی که عالم باین امور و عامل در این اعمال باشند تشکیل دهد و رفع این نقض بزرگ و تنظیم برنامه و تهیه طرز مناسبی را از آنان بخواهد.....